

# نقیضه سرایه محاببات

## در ادبیات فارسی

فاطمه جعفری کلیبر

مدرس دانشگاه فرهنگیان دکتر و دبیر ادبیات فارسی  
دبیرستان‌های تبریز

### چکیده

یا شوخ طبعی است. نقیضه‌سرایی تقلیدی ظریف و هنرمندانه از آثار ادبی مشهور است. نقیضه‌پرداز موفق، کسی است که از ذوق و قریحه خداداد و از خلاقیت و استعداد بالایی برخوردار باشد تا بتواند بین اثر اصلی و نقیضه آن ارتباطی منطقی و تعادلی لطیف برقرار سازد. نقیضه‌پردازی را در ادبیات غرب، پارودی (parody) گویند.

هر نوع تقلید طنزآمیز ادبی، نظیره‌سازی یا نقیضه‌پردازی محسوب می‌شود. این نوع تقلید ظریف و هنرمندانه از دیرباز در بین شاعران و نویسندگان خلاق و مستعد ایرانی معمول بوده است. کهن‌ترین نمونه نقیضه‌پردازی متعلق به سوزنی سمرقندی (قرن ششم) است که بر اشعار معری، سنایی و شاعران معاصر یا پیش از خود سروده است. ولی موفق‌ترین چهره طنزپرداز و نقیضه‌سرا، که خلاقیت ادبی، ابتکار عمل، فصاحت کلام و ایجاز سخنش او را پرچم‌دار این ژانر ادبی و صدرنشین نقد اجتماعی قرار داده **عبید زاکانی** (قرن هشتم) است. این شاعر-نویسنده بذله‌گوی قرن هشتم با تازیانه دردناک کلامش، بر پیکر اجتماع فاسد زمان خود نواخته و نامردی و ناکارآمدی حاکمان و مسئولان را برجسته‌تر کرده است.

همچنین دیوان بسحق اطعمه، رساله التفصیل

تقلید از آثار ممتاز ادبی در ادوار مختلف در میان تمام ملت‌ها وجود دارد. یکی از اشکال تقلید از آثار مشهور گذشتگان، تقلید طنزآمیز است که نقیضه‌پردازی، نقد جدلی یا محاببات گفته می‌شود و در ادبیات غرب به «پارودی» و در ادب عربی به «نقیضه» معروف است و آن، تقلید ظریف و هنرمندانه از شاهکارهای ادبی است. تقلیدهای طنزآمیز لطیفی از ادبیات سعدی، حافظ و فردوسی را از زبان مردم می‌شنویم که جالب و در نوع خود هنرمندانه و شاید برای برخی سؤال‌برانگیز باشند. این نوع ادبی اغراض متفاوتی دارد. در نوشتار حاضر ضمن اینکه تعدادی از نقیضه‌های زیبا و رایج در میان مردم جمع‌آوری گردیده، به برخی از کارکردهای آن‌ها نیز اشاره شده است.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات فارسی، نقیضه، پارودی، محاببات، تقلید، طنز

### مقدمه

نقیضه‌گویی در اصطلاح ادبی نوعی تقلید طنزآمیز از یک اثر ادبی معروف است. شاعر یا نویسنده نقیضه‌سرا از سبک، قالب و طرز نگارش نویسنده و شاعر مشهوری تقلید می‌کند و قصدش از این کار انتقاد

فریدون توللی، چرند و پرند دهخدا و خارستان ادیب کرمانی به تقلید از گلستان سعدی در شمار آثار موفق نقیضه‌پردازی در عرصه ادبیات فارسی هستند. نقیضه یکی از ابزارهای ایجاد طنز و نقد است که با به خدمت گرفتن عناصری چون تحریف، بزرگ‌نمایی، کوچک کردن و مبالغه از متون معروف، تقلید طنزآمیزی ارائه می‌دهد. نقیضه‌سرایی در نظم و نثر هر دو به کار رفته است اما در شعر بیشتر است. این گونه آثار، تحسین خواننده و شنونده را برمی‌انگیزد و موجب انبساط خاطر می‌شود.

نقیضه‌سرا عیب کار را در می‌یابد و با زبانی ادبی، هنری و تأثیرگذار، نظر مخاطب را به عیوب و کاستی‌ها متوجه می‌سازد. اما لازمه بهره‌مندی از ظرافت‌های نقیضه، آشنایی گوینده و مخاطب با آثار اصلی مورد تقلید است. لذا اگر مخاطب، شعر و متن اصلی را نداند از پارودی و نقیضه آن لذت کافی نمی‌برد. امروزه در تداول عامه این گونه هنرنمایی در شعر را «پا تو کفش شعرا» گویند.

نقیضه از فنون عمده طنز است و کارکردهای مختلفی دارد. نقیضه‌پرداز با اغراض گوناگون به تقلید طنزآمیز آثار مشهور ادبی روی می‌آورد، گاه مراد از آن سرگرمی و شوخ‌طبعی است و توهینی در آن مد نظر نیست و کسی مطالب آن را به خود نمی‌گیرد؛ اغلب نقیضه‌ها در میان اهل ذوق به صورت تک‌بیت و گاهی دوبیتی یا بندی از شعر نو خلق می‌شود. چند مثال:

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید  
که ز انفاس خوشش بوی کسی می‌آید  
**نقیضه آن**

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید  
هر دم از پنجره ما مگسی می‌آید  
\*\*\*\*\*

امشب ای ماه به درد دل من تسکینی  
آخر ای ماه تو همدرد من مسکینی

«شهریار»

**نقیضه آن**

امشب ای ماه به درد دل من تسکینی  
نیست از شام خبر، ظرف چرا می‌چینی  
\*\*\*\*\*

بنی آدم اعضای یکدیگرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند

«سعدی»

**نقیضه**

بنی آدم اعضای یکدیگرند  
صدی ده پسر، ما بقی دخترند

\*\*\*\*\*

بنده همان به که ز تقصیر خویش  
عذر به درگاه خدای آورد  
ور نه سزاوار خداوندی اش  
کس نتواند که به جای آورد  
**نقیضه آن**

مرد همان به که به گاه نزاع  
عذر، به درگاه نسا آورد  
ورنه زنش در اثر لنگه کفش  
حالِ ورا خوب به جا آورد

\*\*\*\*\*

به سراغ من اگر می آید  
نرم و آهسته بیاید مبادا که  
ترک بردارد چینی نازک تنهایی من  
نقیضه برای این شعر نو سهراب سپهری  
به سراغ من اگر می آیی  
دیگر آسوده بیا  
چند وقتی است که فولاد شده  
چینی نازک تنهایی من

\*\*\*\*\*

نقیضه و پارودی بخشی از مقدمه گلستان سعدی  
وحشت پزشک را وقت عمل که ویزیتش موجب  
خالی شدن جیب است و درمان و نسخه اش عجیب  
و غریب! هر مریضی که به مطب وارد شود در قید  
حیات است و چون از در بیرون رود آماده ممات، پس  
در هر رفتن و برگشتن دو خطر موجود است و بر هر  
خطر نذری و نیازی واجب،  
از عهده جیب که برآید  
کز حق ویزیتش به درآید  
چنانکه دانید باران نسخه بی حسابش همه را رسیده  
و پای بیمار را در طلب دارو به خیابان کشیده، شکم  
بیمار، بی هیچ علتی بدرد و پی به سرماخوردگی  
جزئی وی نبرد.

آدم بیمار همان به که هیچ  
روی نیارد به پزشک و دوا  
ورنه پس از رفتن پیش پزشک  
جای مداوا بشود کله پا  
منشی و دربان را فرموده گوش به ناله و افغان بیمار  
ندهد و مسئول بیمارستان را گفته هر که حق العمل  
از پیش نیارد، به اتاق راهش ندهد.  
ای پزشکی که از طریق ویزیت  
ملک و املاک و سیم و زر داری  
من که دارم ز درد می میرم  
تو چه از درد من خبر داری  
در گونه اخیر، پارودی و نقیضه بیشتر جنبه تفنن



ادبی، شوخ‌طبعی و سرگرمی دارد و بذله‌گویی صرف منظور نظر بوده است.

گاه نقیضه با رویکرد شوخی و طنز، از نامردی‌ها، نامردمی‌ها، شرارت‌ها و کاستی‌ها پرده برمی‌دارد تا در راستای اصلاح آن‌ها اقدام شود. در اینجا نقیضه و طنز کارکردی اصلاح‌گرایانه می‌یابد و هجاگویی محوری‌ترین درون‌مایه آن می‌شود. نمونه زیر با رویکرد مشکل‌بیکاری سروده شده است.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

### نقیضه آن

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند  
کار اگر هست چرا دیپلمه‌ها بیکارند

### مجابات

مجابات، جواب‌گویی دو شاعر در رد یا تأیید به شعر یکدیگر است. شاعر دوم معمولاً در مجابات، به تقلید از وزن و قافیه شاعر اول شعرش را می‌سراید. نمونه‌هایی از مجابات نغز فارسی با اغراضی گوناگون در پی می‌آید.

الف. مخالفت و رد نظر شاعر

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است  
با دوستان مروت با دشمنان مدارا

«حافظ»

### جواب

آسایش دو گیتی گیرم که این دو حرف است  
با دشمن کج اندیش مشکل بود مدارا

\*\*\*\*\*

من رشته محبت تو پاره می‌کنم  
شاید گره خورد به تو نزدیک‌تر شوم

### مجابات

گر رشته گسست می‌توان بست

اما گرهی است در میانش «میر خسرو دهلوی»

\*\*\*\*\*

پافشاری و استقامت میخ

سزد از عبرت بشر گردد  
هر چه کوبند بیش بر سر او  
پافشاریش بیشتر گردد

«ملک‌الشعراى بهار»

### مجابات

بس شگفت آید از بهار مرا  
که ستوده است پافشاری میخ  
چون زدنش به سر، به خاک نشست  
پس کجا بود پایداری میخ  
پست گردد ستم پذیر شود  
ناستوده است بردباری میخ

«افسر میرزا شیخ‌الرئیس»

### ب. استیضاح و دلیل‌جویی

عجب آید مرا ز مردم پیر  
که همی ریش خود خضاب کنند  
به خضاب از اجل نرهند

### منابع

۱. داد، سیمنا (۱۳۷۸) فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: انتشارات مروارید
۲. رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۰) انواع نثر فارسی تهران: انتشارات سمت
۳. رضایی، عربعلی (۱۳۸۲) واژگان توصیفی ادبیات. تهران: فرهنگ معاصر
۴. شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) انواع ادبی، تهران: نشر میترا